

عنوان مقاله:

تبیین مفهوم و مولفه‌های شهروندی در فلسفه سیاسی ارسطو و فارابی

محل انتشار:

فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی، دوره 3، شماره 1 (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسنده:

محمدحسین خلوصی - *Graduated from International University of Al-Mustafa and Ph.D., Islamic Political Philosophy* -
Institute of Imam Khomeini

خلاصه مقاله:

چکیده سازماندهی حقوق و تعهدات متقابل فرد و جامعه از بسترهای فکری فیلسوفان سیاسی بوده است. یکی از منظمترین مباحث فلسفی درباره شهروندی در فلسفه سیاسی کلاسیک، مربوط به ارسطوست. ارسطو در کانون مباحث شهروندی، مولفه اعتدال را قرار میدهد. او حقوق و تعهدات متقابل فرد و جامعه را بر اساس اصل اعتدال صورتبندی میکند. پیوند کمال و فضیلت با مولفه اعتدال، از ویژگیهای بنیادین شهروندی در نظام فلسفی ارسطوست. فارابی نیز به عنوان بنیانگذار فلسفه سیاسی اسلامی با سه عنصر بنیادین به شهروندی میپردازد که عبارتاند از: حقیقت، فضیلت و سعادت. او حقیقت را در مرکز نظام شهروندی خود قرار میدهد و ارتباطی وثیق میان شریعت و فلسفه برقرار میکند. شهروندی حقیقت‌گرایانه فارابی بر اساس تعامل نزدیک شریعت و فلسفه بازسازی میگردد. معرفت ناب حاصلشده از این تعامل است که به عنوان مولفه بنیادین در مرکزیت گفتمان شهروندی در فلسفه فارابی قرار میگیرد. حقوق و تعهدات متقابل فرد و جامعه در درون نظم مبتنی بر حقیقت سازماندهی میگردد تا با رساندن شهروند به فضیلت، سعادت او را میسر سازد. براین‌اساس ارزشهایی چون آزادی، برابری، عدالت، مالکیت، قانونمداری و دیگر مولفه‌های شهروندی با توجه به اقتضائات حاصل از تعامل نزدیک حقیقت، فضیلت و سعادت، کانون توجه قرار میگیرد. در این نوشتار، مفهوم شهروندی با استفاده از توصیف، مقایسه و ارزیابی مبتنی بر تحلیل عقلی، بررسی میشود.

کلمات کلیدی:

Keywords: Citizenship, Political Philosophy, Truth, Moderation, Justice, Freedom, Aristotle, Farabi
کلیدواژگان: شهروندی، فلسفه سیاسی، حقیقت، اعتدال، عدالت، آزادی، ارسطو، فارابی.

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1198460>

